

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: پیه اسکوبار / ۲۳ فبروری ۲۰۲۴
برگردان: علی مشرف
۰۱ مارچ ۲۰۲۴



پیه اسکوبار

محور نا متقارن "نظم مبتنی بر قوانین" را به خود می گیرد.

جنگ جهانی سوم هم‌اکنون به‌شکلی نامتقارن در میدان‌های نبرد نظامی، مالی، و سازمانی در جریان است، و این مبارزه‌ای است میان مرگ و زندگی. در حقیقت، هژمون غربی به جنگ با قوانین بین‌المللی برخاسته است و تنها با «اقدام نظامی فعالانه» می‌توان آن را به‌زانو درآورد.



محور مقاومت نامتقارن در حال جهشی کامل است. این‌ها بازیگرانی دولتی و غیردولتی در صفحه شطرنج جهانی هستند که از حملات نامتقارن برای به‌عقب راندن نظم مبتنی بر مقررات غربی بهره‌بری ایالات متحده استفاده می‌کنند. و پیش‌تاز آن‌ها جنبش مقاومت انصارالله یمن است. انصارالله حریفان سرسختی هستند. آنها یک پهپاد ۳۰ میلیون دلاری MQ-۹ Reaper را تنها با یک راکت ۱۰ هزار دلاری ساخت خود سرنگون کردند. آنها اولین نیرو در جنوب جهانی هستند که از راکت‌های ضد کشتی بالستیک علیه کشتی‌های تجاری مرتبط با اسرائیل و یا ناوگانی که حافظ نیروی بحری ایالات متحده و کشتی‌های تجاری است، استفاده می‌کنند. می‌توان گفت در عمل، انصارالله درگیر جنگی واقعی با نیروی بحری امریکا است

انصارالله یکی از خودروهای فوق‌پیشرفته تحت‌البحری ایالات متحده (AUV) – یعنی پهپاد ۳/۱ میلیون دلاری Remus 600 را، که به‌شکل یک اژدر قادر به حمل کلاهک عظیمی از حسگرهای انفجاری است – به‌غنیمت گرفته‌اند.

قدم بعدی: ممکن است مهندسی معکوس و تولید آن در ایران باشد؟ سلاحی که جنوب جهانی مشتاقانه چشم به‌راه ساخت و خرید آن با ارزهایی است که دالر امریکا را دور می‌زند؟
همه موارد فوق – یعنی تکرار روش‌های جنگ بحری هوشی مین در ویتنام با ترکیب مناسب قرن بیست و یکم – نشان می‌دهد که موقعیت هژمون ممکن است حتی نه در حد بری کاغذی، بلکه به‌عنوان یک زالوی کاغذی تنزل یابد.

لولا از دید جنوب جهانی سخن می‌گوید

در این تصویر بزرگ – که به نسل‌کشی مداوم و بی‌امان اسرائیل در غزه مرتبط است – یک رهبر واقعی از جنوب جهانی، لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور برزیل، وارد عرصه می‌شود.
او با اشاره به اصل مطلب، از جانب برزیل، امریکای لاتین، افریقا، بریکس - ۱۰، و اکثریت قریب به‌اتفاق جنوب جهانی، تراژدی غزه را بدرستی نسل‌کشی نامید. لذا جای تعجب نیست که عوامل حامی رژیم صهیونیستی در سراسر شمال جهانی – و همچنین دست‌نشانندگان آن‌ها در جنوب – این‌چنین به‌خشم آمده‌اند.

قصابان نسل‌کش تل ابیب، لولا را به‌عنوان عنصر نامطلوب در اسرائیل اعلام کردند. با آن‌که این لولا نبود که بیش از ۲۹۰۰۰ فلسطینی را – که اکثریت قریب به‌اتفاق آنها زن و کودک بودند – به‌قتل رساند. تاریخ خواهد بخشید: این نسل‌کش‌ها هستند که در نهایت به‌عنوان عناصر نامطلوب از دید کل بشریت شناخته خواهند شد.

آنچه لولا گفت در عمل نشان‌دهنده نظرات بریکس - ۱۰ بود: شک نیست که این موضوع به‌وضوح قبلاً با مسکو، بیجینگ، تهران و البته اتحادیه افریقا هماهنگ شده بود. لولا در آدیس‌آبابا سخنرانی کرد، پایتخت اتیوپی که اکنون یکی از اعضای بریکس - ۱۰ است.

انتخاب لحظه مناسب برای راستی‌آزمایی ادعاها در مورد غزه توسط رئیس‌جمهور برزیل، همزمان با برگزاری جلسه وزرای خارجه گروه بیست در ریودوژانیرو بسیار هوشمندانه بود. با آن‌که تحلیل آنچه که در غزه می‌گذرد، بسیار فراتر از بریکس - ۱۰، مورد اجماع اکثریت شرکای غیر غربی گروه بیست می‌شود، هیچ‌کس انتظار یک پیگیری جدی از این گروه متفرق را ندارد، و سرنوشت جنگ با آنچه در میدان می‌گذرد، تعیین می‌شود.

مبارزه یمنی‌ها در حمایت از مردم غزه که آنها را «مردم ما» می‌نامند، موضوع همبستگی انسانی، اخلاقی و مذهبی است – این‌ها اصول اساسی قدرتهای در حال ظهور «تمدنی» شرقی، چه در امور داخلی و چه در امور بین‌المللی است. این همگرایی میان اصول، اکنون پیوندی مستقیم – در تعمیم به حوزه‌های اخلاقی و معنوی – میان محور مقاومت در غرب آسیا و محور مقاومت اسلاوی در دونباس ایجاد کرده است.

باید به بازه زمانی وقایع دقیقاً توجه شود. نیروهای جمهوری خلق دونتسک (DPR) و روسیه دو سال جنگ سخت را در نووروسیا (روسیه نو) گذراندند تا به مرحله‌ای برسند که – براساس انبوه واقعیت‌های انباشته در میدان جنگ – مشخص شود «مذاکرات» تنها بر سر شرایط تسلیم کیف خواهد بود.

در مقابل، با نگاهی منصفانه به محور مقاومت در غرب آسیا، می‌بینیم که مبارزه هنوز آغاز نشده و قدرت‌های مستقل (حزبالله و ایران) هنوز به‌طور کامل درگیر نشده‌اند.

حسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله، با ظرافت مشهور خود، اشاره کرده است که در واقع چیزی برای مذاکره در مورد فلسطین وجود ندارد. و اگر بازگشتی به مرزهای گذشته مطرح باشد، این مرزهای سال ۱۹۴۸ خواهد بود. محور

مقاومت می‌داند که کل پروژه صهیونیستی، غیرقانونی و غیراخلاقی است. اما این سؤال باقی می‌ماند که چگونه می‌توان آن را در عمل به زباله‌دان تاریخ سپرد؟

سناریوی — کاملاً خوش‌بینانه — احتمالی پیش رو شامل تصرف قلیله، توسط حزب‌الله به‌عنوان گامی در جهت بازپس‌گیری نهائی بلندی‌های جولان اشغالی توسط اسرائیل است. با این حال، این واقعیت باقی است که حتی فلسطین متحد نیز توانائی نظامی برای تسخیر مجدد سرزمین‌های ربه‌شده فلسطینی را ندارد.

بنابراین، سؤالاتی که برای اکثریت قاطع جنوب جهانی که در کنار لولا قرار دارند مطرح می‌شود ممکن است این باشد: چه کسی به جز انصارالله، حزب‌الله، حشدالشعبی، در مبارزه برای فلسطین به محور مقاومت نامتقارن خواهند پیوست؟ چه کسی حاضر است به سرزمین مقدس بیاید و فدا شود؟ (به‌هرحال، در دونباس، فقط روس‌ها و روس‌زبانان هستند که برای سرزمین‌های تاریخی روسیه تا پای جان می‌جنگند)

و این امر ما را به سمت مسیر آخر بازی می‌رساند: تنها یک عملیات نظامی ویژه (SMO) در غرب آسیا پایان تلخ تراژدی فلسطین را رقم خواهد زد. ترجمانی از آنچه در سراسر محور مقاومت اسلاوها می‌گذرد: «کسانی که از مذاکره با لاوروف امتناع می‌ورزند، با شوپگو طرف خواهند بود.»

فهرست غذا، و میهمانان گرد میز

تونی بلینکن، وزیر امور خارجهٔ نومحافظه‌کاری که ماسک ضخیم خود را از چهره برداشت، با تعریفش از «نظم بین‌المللی مبتنی بر مقررات»، خود را لو داد: «اگر جزو میهمانان دور میز نیستید، جایتان در لیست غذاست.»

با پیروی از منطق هژمونیک خود او، واضح است که روسیه و ایالات متحده/ناتو میهمانان دور میز هستند، در حالی که اوکراین در فهرست غذاها است. بحیرهٔ سرخ چطور؟ واضح است حوثی‌هایی که از فلسطین در برابر ایالات متحده، بریتانیا، و اسرائیل دفاع می‌کنند میهمان دور میز هستند، در حالی که دست‌نشانندگان غربی که از اسرائیل در مسیرهای بحری حمایت می‌کنند به‌وضوح در فهرست غذا قرار دارند.

و مسأله اینجاست: هژمون — یا به تعبیر محققان چینی، «صلیبیون» — قدرت انتخاب دعوت‌شدگان به دور میز را از کف داده است. دلیل اصلی سقوط این اقتدار تشکیل جلسات جدی بین‌المللی است که با حمایت و مشارکت ستراتیژیک روسیه و چین طی دو سال گذشته، از زمان شروع عملیات ویژه، تشکیل می‌شود. همه‌چیز ناشی از برنامه‌ریزی مرحله‌ای است، که اهداف بلندمدت آن‌ها به‌وضوح تعیین شده است.

کاری که تنها از دولت‌های تمدنی برمی‌آید — و نه از کازینوهای نئولیبرال زرسالار.

مذاکره با هژمون غیرممکن است، زیرا خود هژمون مانع آن است (به سنگ‌اندازی پیاپی در تصویب قطعنامه‌های آتش‌بس در سازمان ملل نگاه کنید). به‌علاوه، هژمون در استفادهٔ ابزاری از نخبگان فرمان‌بردار خود در سراسر کشورهای جنوب جهانی، از طریق تهدید یا سازش، ید طولائی دارد: واکنش هیستریک رسانه‌های جریان اصلی برزیل به موضع لولا در مورد غزه را ببینید.

دو سال پس از شروع عملیات ویژه، آنچه روسیه به جنوب جهانی نشان می‌دهد این است که تنها راه برای درس دادن به هژمون، جنگی تمام‌عیار یا درگیری «فنی - نظامی» است.

مشکل این است که هیچ دولت - ملتی را نمی‌توان با ابرقدرت نظامی روسیه، که دسترسی به سلاح هسته‌ای و مافوق صوت داشته و ۵/۷ درصد بودجهٔ دولت مختص تولیدات نظامی است، مقایسه کرد. تا زمانی که نخبگان هژمون به خود نیابند — امری که ممکن است هرگز اتفاق نیفتد — روسیه در موضع جنگ دائمی باقی خواهد ماند.

در همین حال، محور مقاومت غرب آسیا، روز به روز در حال مشاهده و یادگیری است. مهم است به خاطر داشته باشیم که برای همه جنبش‌های مقاومت در سراسر جنوب جهانی – و این برای مثال شامل مبارزه غرب افریقا علیه استعمار نو فرانسه نیز می‌شود – خطوط گسل ژئوپلیتیکی نمی‌تواند از این واضح‌تر باشد.

مسئله رویارویی جمعی غرب در مقابل اسلام، غرب جمعی در مقابل روسیه؛ و دیر یا زود بخش قابل‌توجهی از غرب، حتی به‌اکراه، در مقابل چین است.

واقعیت این است که هم‌اکنون نیز جهان درگیر یک جنگ تمدنی و بر سر بقاء است. در این موقعیت حساس، ما بر سر یک دوراهی قرار گرفته‌ایم: حرکت به سمت یک «اقدام نظامی تمام‌عیار»، یا جنگ‌های ترکیبی متعدد در عرض‌های جغرافیائی گوناگون.

لذا این برعهده محور نامتقارن مقاومت است که با خونسردی، آرامی، و یک‌پارچه، راهروها، گذرگاه‌ها و مسیرهای زیرزمینی را ایجاد کند که قادر باشد نظم بین‌المللی تک‌قطبی و مبتنی بر مقررات تحت رهبری ایالات متحده را تضعیف و واژگون کند.

منبع:

[Die Achse der Asymmetrie übernimmt die „regelbasierte Ordnung“ \(thecradle.co\)](http://thecradle.co)